

بررسی و تعیین اولویتهای ساماندهی پایتخت در ایران

محمد میره‌ای* - استادیار آمایش سرزمین، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
 امیر فتحی - کارشناس ارشد آمایش سرزمین، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
 سهراب امیریان - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، ایران
 حاتم پرنیان - کارشناس ارشد آمایش سرزمین، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۲۱

وصول: ۱۳۹۴/۹/۲۰

چکیده

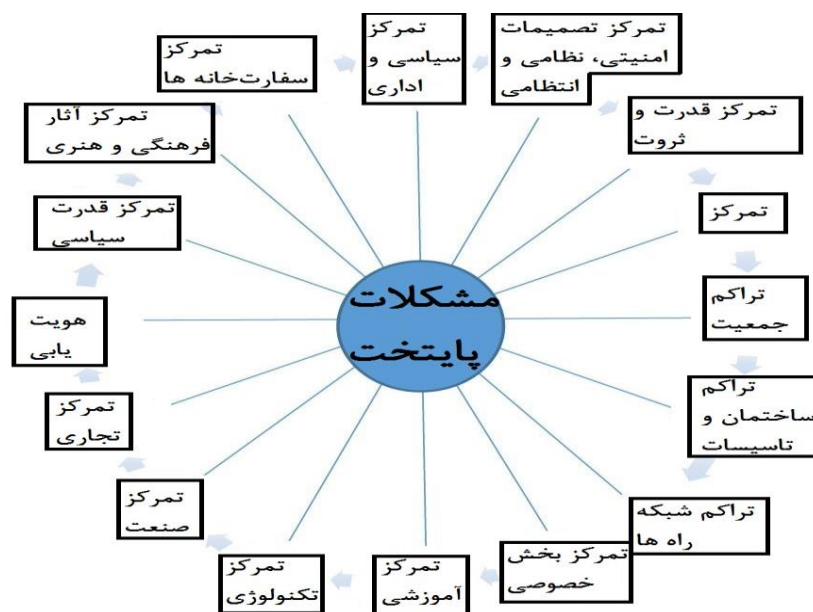
مسائل و مشکلات متعدد تهران به عنوان پایتخت و الگوی شهرسازی ایران، موجب شده تا کنون رویکردهای مختلفی برای ساماندهی این شهر ارائه شود؛ بنابراین هدف از پژوهش جاری، گردآوری، دسته بندی و در نهایت گزینش مناسب‌ترین راهکارهای ساماندهی پایتخت در ایران است. این راهکارها از طریق مطالعات اسنادی گردآوری و در پنج گروه دسته بندی شدند. به منظور رتبه بندی آنها، از هفت معیار قابلیت اجرا، سرعت اجرا، حجم اثرگذاری، هزینه های اجرایی کمتر، ملاحظات اقتصادی، سیاسی و امنیتی و زیست محیطی، تکنیک تحلیل سلسله‌مراتبی و خبره‌سنجی استفاده شد. بر اساس یافته‌های پژوهش، معیار قابلیت اجرا به عنوان پراهمیت‌ترین عامل در ساماندهی پایتخت شناخته شد. همچنین مهم ترین گزینه‌های ساماندهی به ترتیب اولویت بدین شرح هستند: ساماندهی درونی شهر تهران، تمرکززدایی، رویکرد سرزمینی، ایجاد و تقویت قطب های رقیب برای تهران و انتقال پایتخت. نتایج حاکی از آن است برخی راهکارها نظیر انتقال پایتخت، اگرچه در تعدادی از کشورهای جهان اجرا شده و همچنین هر از چند گاهی توسط برخی از افراد در ایران به‌ویژه سیاستمداران مطرح می‌شود چندان از نظر خبرگان موخه نیستند و به عکس، اقداماتی چون ساماندهی وضعی موجود شهر تهران و انتقال برخی از کارکردهای آن به سایر مناطق سرزمینی، در اولویت قرار دارند. همچنین تجارب انتقال پایتخت در اغلب کشورهای دنیا، چندان موفق نبوده و نتوانسته به مشکلات موجود در پایتخت پیشین پاسخ دهد و حتی پایتخت جدید نیز مجدداً با معضلات پایتخت قبلی مواجه شده است؛ بنابراین در این مقاله، پیشنهاد می‌شود مدیران و سیاست‌گذاران کشور، بیش از اینکه به تفکر انتقال پایتخت دل مشغولی پیدا کنند و با این تفکر، مشکلات شهر تهران را مورد غفلت قرار دهند؛ با شناسایی عمیق مسائل شهر تهران، ضمن ساماندهی درونی شهر، نسبت به تعیین کارکردهای اولویت‌دار به منظور تمرکززدایی اقدام نمایند.

واژگان کلیدی: آمایش سرزمین، تکنیک AHP ساماندهی، پایتخت، شهر تهران.

مقدمه

گسترش شهرنشینی در ایران، به‌ویژه رشد کلانشهر تهران، محصول قرار گرفتن ایران در جریان مدرنیسم و سرمایه‌داری از دوران پهلوی تا به امروز است، همچنین با عنایت به این نکته که تولید نابسامانی جزء جدایی‌ناپذیر سرمایه‌داری است (تبریزی، ۱۳۹۴)، بنابراین بخشی از نابسامانی‌های امروزه کلانشهرها، به‌ویژه تهران به عنوان پایتخت کشور، حاصل گذار مدرنیسم و سرمایه‌داری بدون برنامه‌ای روشن و کارا در ایران است. ضعف برنامه‌ریزی در سطوح مختلف سبب به وجود آمدن مسائل زیادی در تهران و ایران شده است (شکل ۱). کلانشهر تهران به دلیل مهاجرپذیری بالا و بی‌رویه، رشد و توسعه افقی و عمودی شهری، تراکم بالا و نامتوازن در دهه‌های اخیر با مشکلات فراوانی دست به گریبان شده است. تراکم بالای جمعیت و فعالیت بدون در نظر گرفتن توان محیطی و اکولوژیک و نبود نظام کارآمد مدیریتی در ارتباط با عملکردهای گوناگون از جمله مسائل مختلف در تهران است (بافرانی و همکاران، ۱۳۹۴).

بدون شک حل مسائل تهران، بسیار پیچیده، متنوع و خطیر است تا آنجا که بعضی از پژوهشگران معتقدند حل مشکلات تهران فقط از درون تهران ممکن نیست. برای مسائل تهران باید به حل مشکلات توسعه کشور و ابعاد آمایش سرزمینی پرداخت (پاپلی یزدی، ۱۳۹۴/الف). مشکلات تهران علاوه بر بُعد منطقه‌ای، در بُعد ملی نیز بسیار قابل اهمیت است، زیرا استان تهران، در سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۱۰٪ جمعیت کل کشور را به خود اختصاص داده است. همچنین تهران علاوه بر پایتخت سیاسی کشور، در تمامی بخش‌های دیگر نیز، تقریباً بی‌رقیب است؛ لذا جهت سامان دادن به اوضاع تهران، نقش برنامه‌ریزان و توسعه‌دهندگان، در کنترل و مدیریت منابع انسانی و فیزیکی برای پاسخگویی به نیازهای مردم از اهمیت بسیاری برخوردار است (بوتس و وان رینسبورگ^۱، ۲۰۰۰)؛ بنابراین، در طول سال‌ها و دهه‌های گذشته، پژوهشگران مختلف به مسائل و مشکلات ناشی از تمرکزگرایی در کشور، به‌ویژه در پایتخت پی برده‌اند و سعی در ارائه راهکارهای مختلف نموده‌اند. تا شاید بتوانند اندکی از اثرات زیان‌بار تمرکزگرایی در پایتخت را بکاهند. در ادامه به برخی از این تحقیقات اشاره می‌شود.



شکل ۱. برخی از مسائل و مشکلات پایتخت (منبع: پاپلی یزدی، ۱۳۹۴/الف)

در این راستا، پاپلی یزدی (۱۳۹۴/ب) نیز مشکلات تهران را ناشی از تمرکزگرایی بیش از حد در ساختار سیاسی - اداری - جمعیتی ایران می‌داند. از نظر وی، علل تمرکزگرایی در تهران، به مأموریت تعریف‌شده برای ایران از سوی روسیه و انگلستان، بعد از جنگ جهانی اول برمی‌گردد: کشوری ضعیف که بتواند نقشی حائل بین دو قدرت را بازی کند. یافته‌ها نشان می‌دهند که از ۴۴۰,۰۰۰ نفری که در سال ۱۳۹۲ روزانه به تهران وارد و از آنجا خارج شده‌اند، حداقل ۲۲/۸٪ برای مأموریت یا پیگیری مسائل اداری آمده‌اند که نشان‌دهنده حجم بالایی از مراجعات حضوری به ادارات است، وی در پایان پیشنهاد می‌نماید که بخشی از وظایف و اختیارات غیر حاکمیتی وزارتخانه‌ها به استان‌ها و شهرستان‌ها واگذار شود، همچنین اقداماتی به عمل آید که ظرف ۵ سال، مأموریت کارمندان دولتی به تهران تا ۸۰٪ کاهش یابد. حافظ‌نیا (۱۳۹۴) نیز با تأکید بر راه‌حل تمرکززدایی برای حل مشکلات تهران به شرح نظام حکومتی ایران به عنوان یک نظام بسیط، پرداخته است؛ سپس محقق به انتقاد از اصول مختلفی در قانون اساسی کشور که تمرکزگرایی را در نظام اداری و اجرایی، قانونی می‌کنند پرداخته است. در پایان نیز به ارائه راهبردهای بازنگری و اصلاح قانون اساسی، تمرکززدایی در نظام تصمیم‌گیری کشور، تفویض اختیار معنی‌دار در ساختار حکومتی و دولتی، توزیع فضایی و مدیریت بهینه جریان پول و سرمایه، تضمین عدالت جغرافیایی - فضایی در کشور، هماهنگ‌سازی و تناسب‌بخشی به حرکات و رشد جمعیت، پرهیز حکومت و دولت مرکزی از تصدّی‌گری، تعدیل ساختار فضایی و ارتباطی کشور، الزام قانونی عدم تزییق منابع، افزایش تصاعدی هزینه‌های سرمایه‌گذاری و خدمات، انتقال فعالیت‌های غیرضروری و نامرتبط، در راستای تمرکززدایی و تراکم‌زدایی از تهران پرداخته است.

جمعه‌پور (۱۳۹۴) راه‌حل مشکلات تهران را در رویکردهای دیگری می‌داند. وی در صدد بررسی مسئله کلانشهر تهران با رویکرد توسعه پایدار، با تأکید بر ریشه‌های مفهومی و معانی پایداری است. توجه ایشان به نشان دادن یک چارچوب برای به کارگیری مفهوم توسعه پایدار در منطقه شهری معطوف گردیده است. تجدید نظر در نگرش به شهر و موضوعات شهری، تعادل در سیستم شهر و منطقه شهری، سیستم فضای شهری و اکولوژی طبیعی، تمرکز غیرمتمرکز، شهر - منطقه (منطقه شهری تهران)، منطقه‌بندی، انسجام اجتماعی و فضایی و سازماندهی مشارکت مردمی از جمله راهبردهایی است که در پایان ارائه شده است.

برخلاف سایر پژوهش‌های یادشده، اسکندری ثانی و راستی (۱۳۹۴) راه برون‌رفت مدیریت شهری تهران از چالش‌های موجود را توسعه اجتماعات محلی می‌دانند. از نظر ایشان، توسعه اجتماع محلی، فرایندی (شامل سازمان دادن، تسهیل نمودن و اعمال کردن) است که مردم محلی برای ارتقای کیفیت زندگی در محله‌شان ایجاد می‌کنند. ایشان در پایان به این مهم دست می‌یابند که مدیریت شهری باید خود را برای اقداماتی از قبیل ظرفیت‌سازی مشارکت در تصمیم‌گیری توسعه، آموزش و توانمندسازی کنشگران اصلی محلی، نهادینه‌سازی فرآیندهای تصمیم‌گیری شورایی و جمعی و مدیریت اجرایی به شیوه مشارکتی آماده سازند.

مباحث بالا نشان می‌دهد که ساماندهی و پیشرفت شهری نیازمند ارتباط معنادار و متقابل میان مردم، دولت و حکومت است؛ همچنین حکمرانی خوب مستلزم آن است که حکومت خود را با عاجل‌ترین و ثمربخش‌ترین وظایف محدود کند و فراتر از توانایی‌ها و منابع تجهیز شود. این یعنی همکاری نزدیک با جامعه مدنی در تمام شکل‌های آن، با گروه‌های محلی، سازمان‌های غیردولتی، دسته‌های مذهبی، فعالیت‌های موسوم به خودیاری و نیز با افرادی که خواهان بهبود تأمین کالاهای جمعی هستند، یا می‌خواهند شبکه‌هایی میان افرادی که نیاز به کمک دارند و کسانی که مایل به یاری هستند، ایجاد کند. از این رو، امروزه رویکرد «حکمرانی خوب شهری» را به عنوان

اثربخش‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت معرفی نموده‌اند که حاصل آن ساماندهی بهینه شهری است (دکر و کمپان^۱، ۲۰۰۴). بر این اساس، ایجاد اتحاد بین مردمی با یک سرزمین واحد و برقراری انسجام دولت، مهم‌ترین کارکرد یک پایتخت ملی است و یک پایتخت خوب، مرکز اصلی اشاعه، نفوذ و اقتدار سیاسی و فرهنگی است (کوهن^۲، ۱۹۶۴: ۱۶۸).

در کشورهای مختلف دنیا، برای تقویت و سامان دادن به پایتخت‌ها اقدامات مختلفی انجام شده است به گونه‌ای که گاهی اوقات اقدام به انتقال پایتخت کرده‌اند. آنکارا، آستانا و لیلونگو، نمونه پایتخت‌های منتقل شده هستند و آبوja، برازیلیا، کانبرا، اسلام‌آباد و نیودهلی از جمله پایتخت‌های از نو بنا شده هستند (کمپیل^۳، ۲۰۰۳). از انتقال پایتخت در کشورهای مختلف دنیا نتایج متفاوتی به دست آمده است، اما انتقال پایتخت سیاسی را نمی‌توان تنها راه تمرکززدایی و کاهش حجم فعالیت در پایتخت دانست. پایتخت‌ها به عنوان محل تجلی کارکردهای نظام‌های اجتماعی، از اهمیت قابل توجهی برخوردارند و موضوع تغییر پایتخت، انتقال و مکان‌یابی برای محل جدید موضوعی مرسوم و با سابقه تاریخی به شمار می‌آید. در این میان، ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای دیگر طی دهه‌های گذشته از این روند دور نبوده و در چندین مرحله اقدام به تغییر و انتقال پایتخت نموده است؛ اما انتقال پایتخت در عصر حاضر باید با توجه به ساختار کلان ایران، ارزش‌های حاکم بر آن، تغییرات محیطی و نوآوری‌های پیش رو بررسی و اثبات گردد (نوبری و رحیمی، ۱۳۸۸). از آنجا که مشکلات تهران نه تنها استان و منطقه را، بلکه تمام کشور را درگیر خود کرده است. تهران در بخش‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی نیز برای کشور مشکلات متعددی به وجود آورده است. مبحث ساماندهی پایتخت نیز جدای از اثرگذاری بر خود شهر تهران و مناطق اطراف، بر کل کشور به طور مستقیم و غیرمستقیم اثر می‌گذارد، زیرا قلمرو نفوذ تهران در کلیه بخش‌ها، (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی) کل کشور است؛ بنابراین، برای حل مشکلات تهران باید به ابعاد آمایش سرزمینی آن و همچنین کل کشور توجه ویژه داشت و مسائل و مشکلات تهران را از بعد ملی نیز بررسی نمود. در این رابطه، آمایش سرزمین به دنبال سازگارترین راهکار بوده و شامل اقدامات ساماندهی و نظام‌بخشی به فضای طبیعی - اجتماعی - اقتصادی ملی یا محلی است که بر اساس تدوین اصلی‌ترین جهت‌گیری توسعه بلندمدت کشور در یک نگاه از بالا به توسعه ملی و تعیین بازتاب‌ها، امکانات و قابلیت‌ها و موانع و تنگناها و تلفیق دو فرایند فوق در برخورد با بخش‌های اقتصادی و هماهنگی بین بخشی و منطقه‌ای است (توفیق، ۱۳۸۴)؛ از این رو، در این پژوهش، با توجه به رویکرد یادشده تلاش می‌شود راهکارهایی که برای ساماندهی پایتخت وجود دارد استخراج شده و با ارزیابی نظرات متخصصین و نخبگان، مناسب‌ترین روش برای ساماندهی تهران ارائه شود.

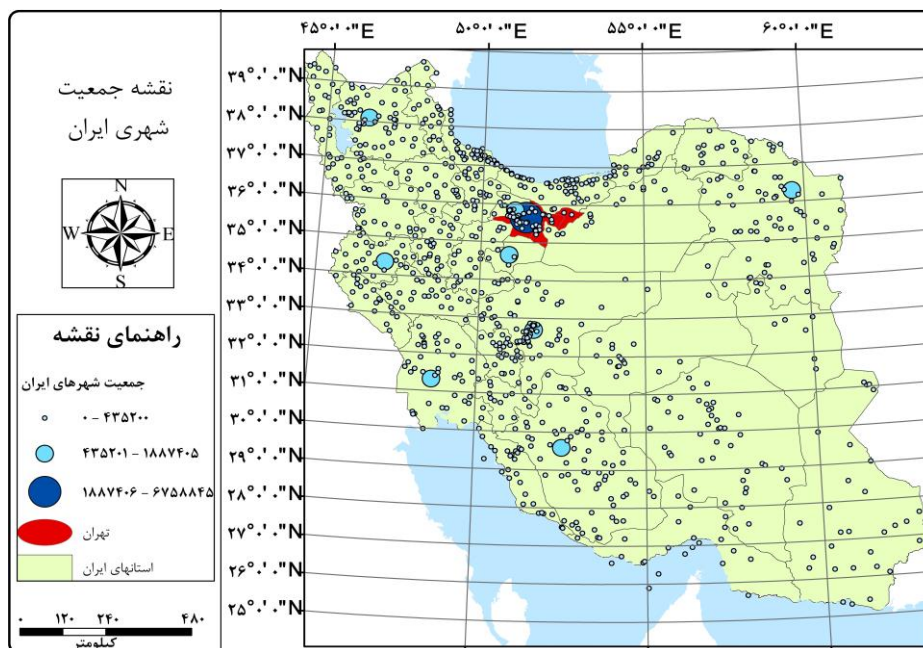
مواد و روش‌ها

محدوده مکانی مورد مطالعه در این پژوهش، شهر تهران به عنوان پایتخت ایران است که بیشترین تمرکز جمعیتی ایران در این حوزه جغرافیایی است (شکل ۲)، در سال ۱۳۸۵، جمعیت مجموعه شهری تهران در برابر کل جمعیت کشور ۱۸/۱۳٪ بوده است (نوبری و رحیمی، ۱۳۸۸). در سال ۱۳۸۵، ۵۲٪ از سرمایه‌گذاری در کشور چه سرمایه‌گذاری دولتی و چه خصوصی، در منطقه شهری تهران انجام شده است، در همان سال، ۵۸٪ کل ارزش کالایی و ۶۲٪ ارزش افزوده کشور در تهران بوده است. ۵۰٪ کارگاه‌های صنعتی کشور در شهر تهران قرار دارد (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴).

1- Dekker & Kempan

2- Cohen

3- Campbell



شکل ۲. منطقه مورد مطالعه و توزیع جمعیتی شهرها در ایران

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به ماهیت، از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی است؛ همچنین گردآوری داده‌ها هم به صورت کتابخانه‌ای و هم میدانی انجام شده است. فرایند تحقیق بدین صورت بوده است که ابتدا با مطالعات اسنادی و بر مبنای منابع مختلف موجود نسبت به گردآوری راهکارهای مختلف ساماندهی پایتخت در ایران اقدام شد و سپس این راهکارها در ۵ گروه کلی دسته‌بندی شدند (جدول ۱). در ادامه، با مشورت با ۱۵ نفر از خبرگان (اساتید متخصص در حوزه مربوطه که به روش نمونه‌گیری قضاوتی انتخاب شدند) و در نظر داشتن ۷ معیار (جدول ۱) و بهره‌گیری از پرسشنامه طراحی شده بر مبنای تکنیک تحلیلگر سلسله‌مراتبی^۱ و نرم‌افزار اکسپرت چویس^۲ نسبت به رتبه‌بندی راهکارها اقدام شد.

لازم به ذکر است فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، روشی است منعطف، قوی و ساده، برای تصمیم‌گیری در شرایطی که معیارهای تصمیم‌گیری متضاد، انتخاب بین گزینه‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد. این روش، ابتدا در سال ۱۹۸۰ توسط ال‌توماس^۳ پیشنهاد گردید و تا کنون کاربردهای متعددی در علوم مختلف داشته است. اولین قدم در فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، ایجاد یک ساختار سلسله‌مراتبی از موضوع مورد بررسی است که در آن اهداف معیارها، گزینه‌ها و ارتباط بین آنها نشان داده می‌شود. مرحله بعد در فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، محاسبه وزن (ضریب اهمیت)، معیارها (و زیرمعیارها در صورت وجود)، محاسبه وزن گزینه‌ها، محاسبه امتیاز نهایی گزینه‌ها و بررسی سازگاری منطقی قضاوت‌ها را شامل می‌شود (زبردست، ۱۳۸۰). نکته مهم اینکه برای امتیازدهی از مقیاس نه درجه‌ای ساعتی استفاده شده است (جدول ۲).

نتایج

برای ساماندهی پایتخت در ایران طی دهه‌های اخیر، راهکارهای مختلفی ارائه شده است؛ اما پژوهشی که به صورت جامع همه این راهکارها را استخراج، دسته‌بندی و اولویت‌بندی نماید، انجام نشده است. با این هدف و تحقیق و

1- AHP

2- Expert Choice

3- Thomas L. Saaty

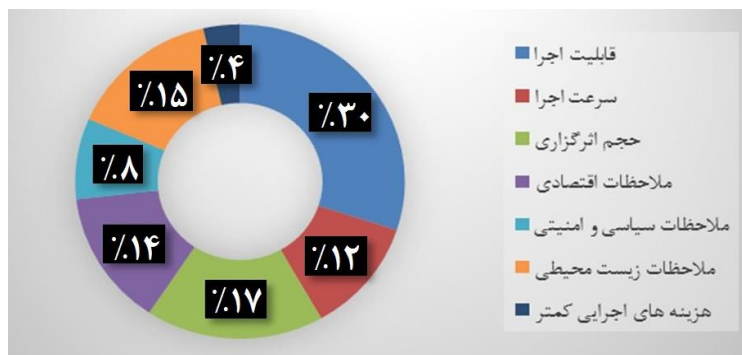
بررسی در منابع و اسناد مختلف، همچنین در مصاحبه با نخبگان گزینه‌های مختلف ساماندهی پایتخت در ایران استخراج شد و در به پنج گروه اصلی تقسیم‌بندی شده‌اند. در جدول ۳، هر پنج گروه اصلی به همراه تمامی گزینه‌های مرتبط با آنها آمده است. گروه‌ها یا گزینه‌های اصلی در این پژوهش، ساماندهی درونی شهر تهران، تمرکززدایی، ایجاد و تقویت قطب‌های رقیب برای تهران، رویکرد سرزمینی و انتقال پایتخت هستند. در مرحله بعد، ابتدا معیارهای پژوهش با توزیع پرسشنامه بین نخبگان اولویت‌بندی گردیدند که ترتیب اولویت آنها یعنی مقدار اثرگذاری هر معیار به درصد در شکل ۳ آمده است.

جدول ۱. گزینه‌ها و معیارهای مورد استفاده

۱. ساماندهی درونی شهر تهران	گزینه‌ها
۲. تمرکززدایی	
۳. ایجاد و تقویت قطب‌های رقیب برای تهران	
۴. رویکرد سرزمینی	
۵. انتقال پایتخت	
۱. قابلیت اجرا	معیارها
۲. سرعت اجرا	
۳. حجم اثرگذاری	
۴. ملاحظات اقتصادی	
۵. ملاحظات سیاسی و امنیتی	
۶. ملاحظات زیست‌محیطی	
۷. هزینه‌های اجرایی کمتر	

جدول ۲. ارزش‌گذاری به روش ساعتی

ارزش (نمره)	وضعیت مقایسه I نسبت به J	توضیح
۱	ترجیح یکسان ^۱	شاخص I نسبت به J اهمیت برابر دارد و یا ارجحیتی نسبت به هم ندارند.
۳	کمی مرجح ^۲	گزینه یا شاخص I نسبت به J کمی مهم‌تر است.
۵	خیلی مرجح ^۳	گزینه یا شاخص I نسبت به J مهم‌تر است.
۷	خیلی زیاد مرجح ^۴	گزینه I دارای ارجحیت خیلی بیشتری از J است.
۹	کاملاً مرجح ^۵	گزینه I از J مطلقاً مهم‌تر و قابل مقایسه با J نیست.
۲-۴-۶-۸	بینابین	ارزش‌های بینابین را نشان می‌دهد مثلاً ۸، بیانگر اهمیتی زیادت از ۷ و پایین‌تر از ۹ برای I است.



شکل ۳. تأثیر هر کدام از معیارها بر گزینه‌ها به درصد

- 1- Equally Preferred
- 2- Moderately Preferred
- 3- Strongly Preferred
- 4- Very Strongly Preferred
- 5- Extremely Preferred

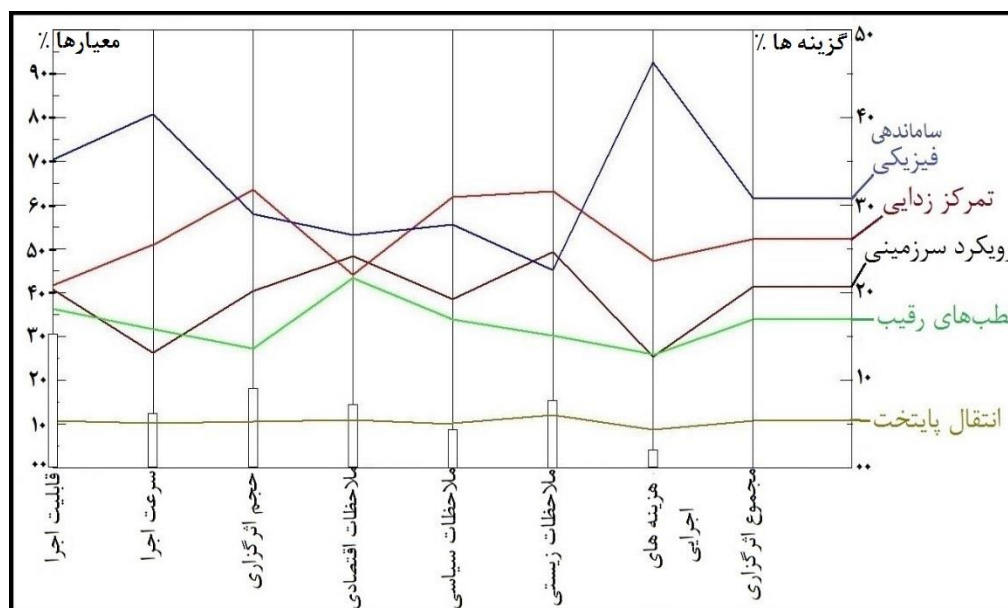
جدول ۳. گزینه‌های اصلی و تمامی گزینه‌های اولیّه مرتبط با آنها

دسته‌بندی‌ها	گزینه‌های مرتبط (اولیّه)
ساماندهی درونی شهر تهران	تغییر در الگوهای شهرک‌سازی - محلّه و مسکن‌سازی، توسعه عمودی شهر تهران و افزایش برج‌سازی، تعریض خیابان‌ها، آموزش فرهنگ کلانشهرنشینی، ایجاد پایه و بسترهای کلانشهرنشینی، تغییر الگوی مسکن از ویلایی به کاشانه‌ای، توسعه حمل‌ونقل زیرزمینی، توسعه حمل‌ونقل هوایی، ایجاد منوریل، ایجاد و توسعه شهرک‌های جدید، قبول هزینه‌های ضروری (چند هزار میلیارد تومان) برای ساماندهی تهران توسط دولت، تجدید نظر در ساماندهی سیاسی فضا در استان تهران، فرهنگ‌سازی و آموزش استفاده از فناوری‌های برتر توسط آموزش و پرورش و رسانه‌های ملی، وحدت مدیریت شهری (محیط‌زیست، حمل‌ونقل، مدیریت بحران)، تقویت توان تخصصی و اجرایی نهادهای محلی در امور اقتصادی و سیاسی و تثبیت نقش نظارتی، مشارکت دادن مردم در تصمیم‌گیری‌های مهم شهری، قاطعیت در تصمیم‌گیری‌های راهبردی مربوط به کلانشهر تهران، احیای بافت‌های فرسوده، زیباسازی شهر تهران، تغییر کاربری اراضی، اشتغال از راه دور جهت کارمندان دولت (کار محور بودن به جای حضور محوری)، کاهش مأموریت کارمندان دولتی به تهران، کاهش مراجعات مردمی به ادارات توسط تدابیر دولتی (توسعه دولت الکترونیک)، کاهش نقش بازار ملی و مزیت‌های سرمایه‌گذاری در تهران به نفع دیگر شهرها.
گزینه‌ها تمرکززدایی	انتقال بخشی از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها به خارج از تهران (مراکز استان‌ها)، خروج دانشگاه‌ها از تهران، خروج پادگان‌ها و مراکز نظامی بزرگ در تهران، خروج کارگاه‌ها و صنایع کوچک از تهران، پخش امکانات و فعالیت‌های شهر تهران در دیگر استان‌های کشور، تشویق شرکت‌های خصوصی به تمرکززدایی از تهران و سرمایه‌گذاری در استان‌های حاشیهای و مرزی، توزیع برخی مراکز (ستادی، آموزشی و درمانی) در شهرهای پیرامون شهر تهران، انتقال تدریجی و کارشناسی‌شده واحدهای غیر لازم مستقر در تهران، اجرای تمامی فعالیت‌ها، اقدامات و طرح‌های مربوط به تهران در چهارچوب یک طرح آمایش سرزمین، تهیه طرح جامع تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت توسط گروه مشاوران، تقویت تفکر تمرکززدایی، تمرکززدایی اداری - شغلی، واگذاری بخشی از وظایف و اختیارات غیر حاکمیتی وزارتخانه‌ها به استان‌ها و شهرستان‌ها، تعادل بخشی دولت مرکزی در فرآیند تمرکززدایی.
ایجاد و تقویت قطب‌های رقیب برای تهران	توسعه و تقویت قطب‌های منطقه‌ای در سطح کشور، توسعه کلانشهرها، شهرهای بزرگ و میلیونی، تقویت شهرهای میانی، گسترش بزرگراه‌ها و خطوط ارتباطی دیگر بین کلانشهرهای مختلف، توجه جدی به توسعه محورهای شرق و غرب.
رویکرد سرزمینی	توسعه مناطق ساحلی - بندری و جزایر جنوب (خلیج فارس و دریای عمان)، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های شهری به‌ویژه شبکه‌های حمل‌ونقل، گسترش شبکه راه‌ها (راه‌آهن، مترو، خطوط بین شهری و هوایی)، حمایت از صنعتگران و تولیدکنندگان در استان‌های محروم، توسعه و تقویت شهرهای کوچک از طریق سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای و محلی، احداث شهرهای جدید پیرامون شهرهای بزرگ با فاصله مناسب، تدوین استراتژی توسط دولت مرکزی در فرآیند توسعه عدالت سرزمینی، ساماندهی و توسعه همه‌جانبه تمامی استان‌های کشور در برنامه ششم (۱۳۹۵-۱۳۹۹) جهت جلوگیری از مهاجرت به تهران.
انتقال پایتخت	انتقال پایتخت اداری - سیاسی و کلیه کارکردهای مربوطه

سپس گزینه‌ها بر اساس نظر متخصصین و با توجه به تأثیر هر معیار، اولویت‌بندی شدند که شکل ۴ رتبه آنها را در مقابل دیگر گزینه‌ها و بر اساس تک‌تک معیارها نشان می‌دهد.

بحث

پایتخت، نقشی اساسی در زندگی ملت‌ها دارد و در اولین نگاه، مرکز تجمع قدرت سیاسی و اقتصادی دولت است (راوات، ۲۰۰۵). به محض انتخاب محلی برای پایتخت، آن شهر از زوایای گوناگون رشد کرده و به واسطه تجمع قدرت در یک محل، آثار جغرافیایی و اقتصادی عمیقی بروز می‌یابد (داشر، ۲، ۲۰۰۰). در کشور ایران نیز طی قرن جمعیت و امکانات در تهران شده است. افزایش سریع و بی‌رویه جمعیت در تهران در طول چند دهه اخیر، باعث



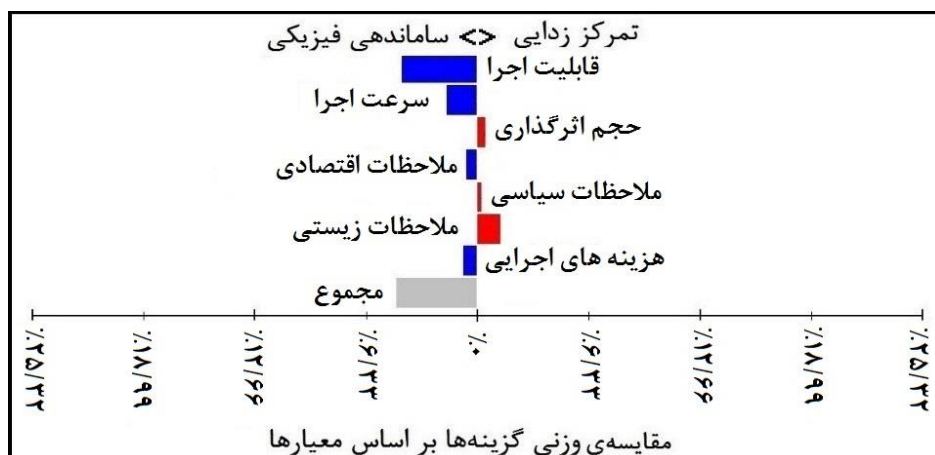
شکل ۴. رتبه بندی گزینه ها بر اساس تک تک معیارها

بالا رفتن تراکم ها، پایین آمدن کیفیت خدمات و فشار آمدن بر منابع و امکانات شده است. تمامی این مسائل سبب افزایش میزان آلودگی ها در تهران و خالی شدن بسیاری از نقاط مرزی و مهم در کشور شده است که به تبع آن، می تواند امنیت کشور را به خطر بیندازد. برای سامان دادن به پایتخت در ایران تا به امروز راه های گوناگونی پیشنهاد شده است.

همان گونه که اشاره شد در این پژوهش، راهکارهای گوناگون گردآوری و دسته بندی و رتبه بندی شدند. بر اساس بررسی های به عمل آمده؛ گروه های راهکارهای ساماندهی درونی و تمرکززدایی نسبت به سایر گزینه ها برتری و اولویت دارند به گونه ای که گزینه ساماندهی فیزیکی شهر تهران نسبت به گزینه های دیگر دارای کمترین هزینه، سرعت و قابلیت اجرایی بالاتری است. البته نسبت به گزینه های تمرکززدایی از تهران و رویکرد سرزمینی، از لحاظ رعایت ملاحظات زیست محیطی در سطح پایین تری قرار دارد. همچنین ساماندهی درونی شهر تهران نمی تواند به اندازه تمرکززدایی، ملاحظات سیاسی مورد نظر را برآورده کند. این در حالی است که گزینه تمرکززدایی از تهران، نسبت به ساماندهی فیزیکی، حجم اثرگذاری بیشتری دارد و تمرکززدایی از تهران در معیارهای ملاحظات زیستی، سیاسی و حجم اثرگذاری نیز بر دیگر گزینه ها برتری دارد.

با توجه به نزدیکی گزینه های ساماندهی و تمرکززدایی، به مقایسه آنها پرداخته شده است (شکل ۵). در مجموع تمامی معیارها، ساماندهی فیزیکی توانسته است نزدیک به ۲۰٪ برتری را به سمت خود بکشد و دارای ارجحیت نسبی است. با این وجود، بایستی پذیرفت که اختلاف بین این دو گزینه، بسیار ناچیز است؛ لذا ساماندهی درونی شهر تهران به همراه اقداماتی به منظور تمرکززدایی از پایتخت، بایستی به صورت توأمان توسط دولتمردان و برنامه ریزان کشور مورد توجه قرار گیرند. واقعیات کشورهایی نظیر ایران و تجارب جهانی نیز مؤید توجه به این دو گزینه به ویژه راهکار تمرکززدایی هستند؛ به گونه ای که سازمان ملل در گزارش خود درباره وضعیت تمرکزگرایی و تمرکززدایی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا معتقد است، سیستم حکومت محلی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بیش از آنکه نوعی از حکومت محلی مستقل باشد شکلی از تمرکززدایی و سازمان محلی است. در کل، سیستم مدیریت عمومی در منطقه به شدت تمرکزگرا است و ت برای بیشتر بخش ها، به ویژه برای ارائه خدمات، توسط حکومت مرکزی تصمیم گیری می شود و نقش حکومت های منطقه ای و محلی محدود به تبعیت از این

دستورات است (توسون و ایلماز^۱، ۲۰۰۸: ۶). با توجه به پیامدها و اثرات منفی و بسیار خطرناک تمرکزگرایی بر پیکره کشورها، امروزه تمرکززدایی در حال تبدیل شدن به یک روند جهانی است (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵). بر اساس یافته‌ها، بعد از ساماندهی فیزیکی و تمرکززدایی، گزینه‌ای که اهمیت بیشتری در ساماندهی پایتخت دارد، رویکرد سرزمینی است. هرچند رویکرد سرزمینی در رتبه سوم اولویت‌ها قرار گرفته است، اما نسبت به ساماندهی درونی بهتر می‌تواند، ملاحظات زیستی را رعایت کند؛ افزون بر این، نسبت به گزینه تمرکززدایی و انتقال پایتخت، بهتر می‌تواند ملاحظات و صرفه‌های اقتصادی را رعایت کند؛ زیرا برنامه‌ریزی برای پایتخت‌های چند میلیون نفری هزینه‌های سرسام‌آوری را به دنبال خواهد داشت. در واقع، از بین کشورهای که اقدام به انتقال پایتخت کرده‌اند فقط کشورهای پیشرفته توانسته‌اند به طور مطلوب هزینه کنند (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۲، ۲۰۰۵)؛ بنابراین، یکی از مهم‌ترین معیارهای ساماندهی پایتخت در ایران، ملاحظات اقتصادی آن است. رویکرد سرزمینی در مقایسه با گزینه ایجاد و تقویت قطب‌های رقیب، تقریباً هزینه‌های برابری را به دنبال خواهند داشت و به یک اندازه ملاحظات سیاسی را رعایت می‌کنند، اما رویکرد سرزمینی در سایر معیارها، برتری نسبی دارد و باید در برنامه‌ریزی‌ها به آن توجه بیشتری شود (شکل ۶).



شکل ۵. مقایسه‌ی گزینه‌های ساماندهی فیزیکی و تمرکززدایی بر اساس معیارها



شکل ۶. مقایسه‌ی گزینه‌ها بر اساس معیارهای، هزینه‌ی اجرایی و ملاحظات سیاسی

1- Tosun & Yilmaz

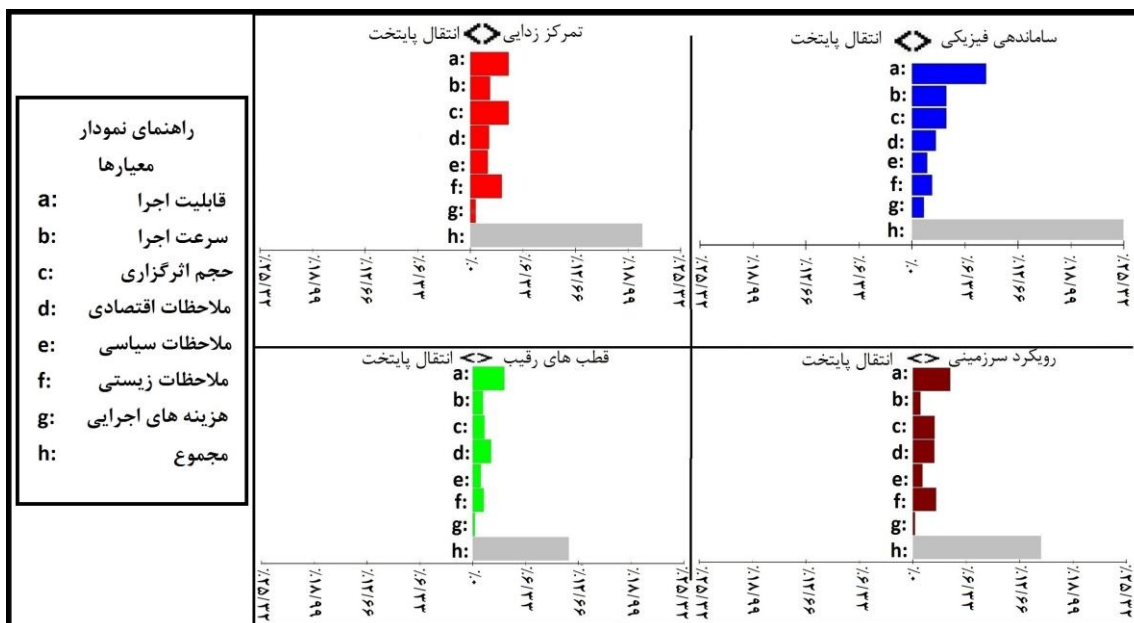
2- OECD

گزینه دیگری که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است ایجاد و تقویت قطب‌های رقیب برای تهران، جهت ساماندهی به آن است. این رویکرد تا کنون در کشورهای مختلف دنیا دنبال شده است؛ به عنوان مثال، برای مقابله با رشد فزاینده پاریس، پس از جنگ جهانی دوم، اقدام به طراحی و توسعه هشت قطب رقیب شد؛ یا اینکه در آلمان نیز برای رقابت با برلین، قطب‌های رقیب ایجاد شده و این قطب‌ها به شدت رشد و گسترش یافته‌اند (احمدی نوحانی، ۱۳۹۴). در پژوهش جاری، بر اساس نظر متخصصین، این گزینه در رتبه چهارم اولویت‌ها قرار گرفته است؛ زیرا هزینه‌های اجرایی زیادی را مطالبه می‌کند، ملاحظات زیست‌محیطی، سیاسی و اقتصادی را کمتر از گزینه‌های ساماندهی درونی، تمرکززدایی و رویکرد سرزمینی رعایت می‌کند (شکل ۴). همچنین حجم اثرگذاری قطب‌های رقیب کمتر و قابلیت اجرایی پایین‌تری نسبت به سه گزینه اشاره شده دارد. البته نباید از یاد برد که ایجاد و تقویت قطب‌های رقیب برای تهران، سرعت اجرایی بیشتری در فرایند ساماندهی تهران نسبت به رویکرد سرزمینی دارد.

در رابطه با این راهکار، بایستی اشاره کرد شاید تقویت قطب‌های منطقه‌ای بتواند از مسائل و مشکلات پایتخت بکاهد؛ اما به معنی انتقال مسائل و مشکلات تهران به قطب‌های منطقه‌ای است. با وجود اینکه در حال حاضر، قطب‌های منطقه‌ای موجود مانند اصفهان و تبریز با بیشتر مسائل موجود در تهران روبه‌رو هستند، اما در مقیاسی کوچک‌تر قرار گرفتن در رتبه چهارم نشان می‌دهد که متخصصین در این پژوهش، ایجاد و تقویت قطب‌های منطقه‌ای را به اندازه ساماندهی فیزیکی، تمرکززدایی و رویکرد سرزمینی، در کاستن از مسائل و مشکلات تهران کارا ندانسته‌اند و آن را انتقال مسائل تهران به نقاط جدید می‌دانند (زارع، ۱۳۹۴)؛ در واقع، شاید بی‌اعتمادی جدی صاحب‌نظران به این ایده را، عدم موفقیت نظریه قطب رشد در دنیا دانست؛ به گونه‌ای که تجارب ارائه شده از این نظریه، در اغلب مناطق جهان حاکی از عدم موفقیت قطب‌های رشد و ایجاد مشکلات فزاینده‌ای - نظیر شکاف طبقاتی، فقر و مهاجرت‌های روستا - شهری - است که این قطب‌ها برای خود و سایر مناطق کشور ایجاد می‌کنند (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۲۰۳).

در نهایت، آخرین اولویت در رتبه‌بندی‌های صورت گرفته مربوط به انتقال پایتخت است. در مقایسه وزنی گزینه انتقال پایتخت با کلیه گزینه‌های دیگر، انتقال پایتخت در برابر تمامی گزینه‌ها و در تمامی معیارها فاقد اولویت و ارجحیت می‌باشد (شکل ۷). انتقال پایتخت که البته منظور انتقال پایتخت سیاسی - اداری و کارکردهای مربوطه است - این راهکار از جدی‌ترین و مهم‌ترین راهکارهای مطرح شده توسط دولتمردان کشور طی دهه‌های گذشته بوده - به عنوان ضعیف‌ترین اولویت سنجیده شده است.

در واقع، انتقال مرکزیت سیاسی کشور از تهران سال‌هاست به بحث برخی از مجامع تبدیل شده است. هر زمان که معضلات شهر تهران بیش از پیش نمایان می‌شود این بحث نیز حالت جدی‌تری به خود می‌گیرد. مباحثی چون انفجار جمعیت شهر تهران، دشواری خدمات‌رسانی به شهروندان این کلانشهر، گسترش بی‌رویه و آلودگی‌های زیست‌محیطی از جمله علتهایی است که برخی را به فکر تغییر مرکزیت از تهران به سایر نقاط انداخته است. تمرکز وزارتخانه‌ها و ادارات مهم کشور، فرصت‌های شغلی، امکانات متعدد رفاهی، بهداشتی، آموزشی و... نیز، همچنان باعث رشد جمعیت و مهاجرت به تهران و منطقه شهری آن شده است؛ اما به هر حال انتقال مرکزیت سیاسی در طول دوران سی ساله پس از انقلاب، از تهران به شهرهای دیگر، دغدغه برخی از دولت‌ها نیز بوده است که البته هیچ‌گاه تا نزدیکی آن نیز پیش نرفتند. آخرین بار این موضوع در دولت نهم مطرح شد که سرپرست وزارت کشور از انتقال پایتخت به عنوان یکی از گزینه‌های مطرح برای کاهش حجم تقاضای مسکن، اشتغال و محدودیت‌های فعلی تهران خبر داد؛ اما تجارب جهانی همگام با نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که این راهکار



شکل ۷. مقایسه وزنی گزینه انتقال پایتخت با سایر گزینه‌ها در تمامی معیارها

چندان قابل اتکا نیست به گونه‌ای که کشورهای مختلفی که از وضع موجود پایتخت خود راضی نبوده‌اند، تعدادی مانند ترکیه، پاکستان، برزیل، استرالیا و آلمان اقدام به انتقال پایتخت کرده‌اند که برای تمامی این کشورها هزینه‌های بسیاری را به دنبال داشته است و در بیشتر موارد نتوانسته انتظارات لازم را برآورده کند (راوات، ۲۰۰۵)؛ البته، ساماندهی پایتخت و هوشمند کردن آن در عصر دیجیتال در کشوری مانند مالزی (کوری، ۲۰۰۴) می‌تواند الگوی خوبی برای ایران با توجه به نفوذ گسترده فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی باشد.

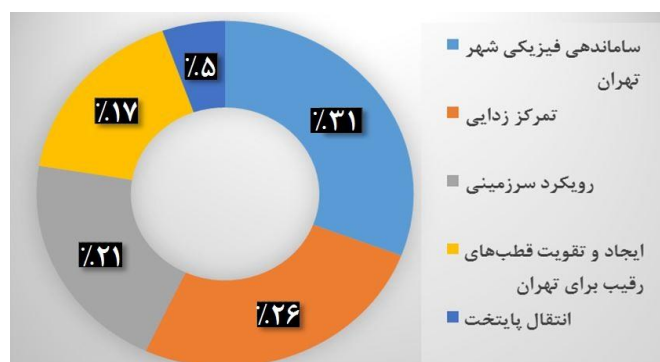
با این وجود، تجارب دیگر کشورها نیز به خوبی نشان می‌دهد که انتقال پایتخت سبب کاهش جمعیت در پایتخت اولیه نشده است. عمده‌ترین هدفی که در غالب این کشورها موجب انتقال پایتخت شده: هدفی استراتژیک، امنیتی و بالاخره مرکزیت دادن به پایتخت نسبت به کل قلمرو ملی بوده است. کافی است موقعیت مکانی برخی از این مراکز سابق را در رابطه با قلمرو ملی کشورشان مورد توجه قرار دهیم. در اکثریت قریب به اتفاق این کشورها قصد انتقال مرکز کشور در اثر معضلات معاصر کلانشهری نبوده است. به‌استثنای دو کشور برزیل و پاکستان که دارای کلانشهرهای پرجمعیتی هستند، بقیه این کشورها، هیچ‌کدام با مسئله تمرکز جمعیتی و یا به اصطلاح امروزی، با رشد بیش از حد و بی‌رویه جمعیت مواجه نبوده‌اند (داودی، ۱۳۸۹)؛ به عنوان مثال، کشورهای استرالیا، کانادا، قزاقستان که پایتختشان را تغییر داده‌اند؛ معمولاً نسبت به مساحتشان از کم جمعیت‌ترین مناطق جهانند. در کشورهای برزیل و پاکستان هم که پرجمعیت محسوب می‌شوند انتقال پایتخت بر اثر معضلات کلانشهری معاصر که در دهه‌های اخیر کشورهای معروف به توسعه‌نیافته و یا به تعبیر دیگر، در حال توسعه، با آن مواجه‌اند، نبوده است. در ضمن، نباید فراموش کرد که تهران چه پایتخت باشد چه نباشد، به عنوان بزرگ‌ترین شهر و قطب صنعتی، اقتصادی و دانشگاهی کشور جذابیت خود را دارد؛ همچنین باید در نظر داشت که حضور دستگاه‌های دولتی در پایتخت جدید نیز ایجاد جذابیت می‌نماید که می‌تواند مشکلات پایتخت کنونی را برای آن رقم زند. ضمناً اگر شهری جدید ساخته شود و پایتخت به آنجا منتقل شود، با مشکل بی‌هویتی شهر مواجه خواهیم شد؛ شهری بی‌بنیان، بی‌تاریخ، بی‌هویت، فاقد برنامه‌ریزی و... در حالی که شهر ژنریک شهری است که نه تنها در وجه سابقه

تاریخی و بافت شهری بلکه از نظر شخصیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی، ساکنانش نیز تحلیل می‌رود (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵).

در رابطه با تجارب ناموفق، نویری و رحیمی (۱۳۹۱) در مطالعات خویش در زمینه انتقال پایتخت اشاره می‌کنند که همه کشورهای مورد مطالعه، ساخت پایتخت‌های جدید تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر زندگی و حیات پایتخت قدیم نداشته و فقط آهنگ رشد را تا حدودی کاهش داده و متعادل ساخته است؛ بنابراین مسئله انتقال پایتخت به مکانی دیگر به شکل کنونی از جمله مباحثی است که گره‌گشای هیچ‌یک از ضرورت‌های فوری و مشکلات جاری در این کلانشهر نیست (رشنو، ۱۳۹۴)؛ لذا به برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران کشور توصیه می‌شود به جای صرف زمان و هزینه برای موضوع انتقال پایتخت، همان‌گونه که تجارب جهانی و یافته‌های پژوهش جاری نشان می‌دهد (شکل ۸) بایستی به سایر گزینه‌های اولویت‌دار تمرکز شود.

نتیجه‌گیری

پایتخت‌ها به دلیل اینکه مقر حکومت و ویتترین و نمایشگاه دولت‌ها هستند همواره مورد توجه جدی واقع می‌شوند. ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و در طی تاریخ، حکومت‌های ایرانی سعی در ایجاد پایتختی مناسب داشته‌اند. بر این اساس، در طی تاریخ، اقدام به ساخت پایتخت جدید و یا انتقال آن به شهرهای مناسب‌تر نموده‌اند. با این وجود، با گذشت بیش از دو سده از انتخاب تهران به عنوان پایتخت، این شهر همچنان با حفظ این نقش، ادامه حیات می‌دهد. با این وجود، به دلیل مشکلات فزاینده‌ای که به‌ویژه بعد از وقوع اصلاحات ارضی و پس از انقلاب برای تهران ایجاد شده است، برنامه‌ریزان و دولتمردان ایرانی را به تفکر و برنامه‌ریزی جهت حل این مسائل سوق داده است. بدین منظور به میزان بزرگی تهران و گستردگی مسائل آن، راهکارهای بسیار متنوعی نیز برای ساماندهی پایتخت ارائه شده است. تا کنون پژوهشی که به گردآوری، گروه‌بندی و اولویت‌سنجی این راهکارها اقدام نماید صورت نگرفته است؛ بنابراین در تحقیق جاری، کلیه راهکارهای ارائه‌شده، جمع‌بندی شده و در ۵ گروه کلی دسته‌بندی شدند. برای سنجش، ۷ معیار در نظر گرفته شد که مهم‌ترین آنها از دید صاحب‌نظران، اجرایی بودن راهکار است. اولویت‌های ساماندهی نیز به ترتیب شامل ساماندهی فیزیکی شهر تهران، تمرکززدایی، رویکرد سرزمینی، ایجاد و تقویت قطب‌های رقیب برای تهران و تقویت پایتخت هستند؛ در واقع، اقداماتی نظیر انتقال پایتخت که بارها و بارها توسط دولتمردان و سیاسیون ایرانی به عنوان گزینه اصلی ساماندهی پایتخت مطرح شده است و حتی در سال ۱۳۶۹ طرح امکان‌سنجی آن نیز توسط وزارت راه و شهرسازی تهیه شد، چندان با استقبال صاحب‌نظران مواجه نشده است و به لحاظ معیارهای هفتگانه، امتیاز مناسبی اخذ نکرده است. در مقابل، بایستی تأکید کرد مناسب‌ترین راهکارها، گزینه‌های ساماندهی درونی تهران و تمرکززدایی است.



شکل ۸. اولویت گزینه‌های مختلف ساماندهی پایتخت در ایران (میزان کارایی گزینه‌ها)

با این نتیجه، صاحب‌نظران اعتقاد دارند که بایستی بیش از دل‌مشغولی با گزینه‌هایی نظیر انتقال پایتخت که تجارب جهانی آن نیز همان‌گونه که راوات (۲۰۰۵)، کوری (۲۰۰۴)، نوبری و رحیمی (۱۳۹۱) و داودی (۱۳۸۹) اشاره کرده‌اند عمدتاً نشانگر شکست کشورها در این زمینه بوده است به فکر شناسایی مشکلات شهر تهران و ساماندهی آنها و خروج برخی از کارکردهای شهر باشند. البته معدود تجارب موفق نیز در زمینه انتقال پایتخت در کشورهای نظیر آلمان، استرالیا و... وجود دارد که به گواه اغلب کارشناسان به دلیل ساختار متفاوت اداری - سیاسی و سرزمینی ایران، این تجربه در ایران اجرایی و عملیاتی و مناسب نیست؛ افزون بر این، باید مهم‌ترین دلیل تأکید بر ادامه نقش پایتختی تهران را توان‌ها و قابلیت‌های بالای این شهر دانست که برخی از آنها به شرح زیر است:

۱. قرارگیری در نزدیکی مرکز ثقل جمعیتی کشور.
 ۲. برخورداری از امنیت نسبی در مقابل تهدیدات خارجی.
 ۳. موقعیت ارتباطی بسیار مناسب تهران در پهنه جغرافیایی ایران.
 ۴. موقعیت نظارتی تهران بر مناطق و کانون‌های سیاسی درجه دوی کشور.
 ۵. برخورداری از پتانسیل‌ها و بنیادهای زیستی: آب‌وهوای مناسب، دسترسی به منابع آبی نسبتاً مناسب.
- در پایان به منظور ساماندهی پایتخت و اجرایی شدن آن پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود.
- تسریع در تهیه و اجرای طرح موضوعی و موضعی شهر تهران به منظور شناسایی مشکلات شهر، اولویت‌بندی آنها و اقدامات همه‌جانبه و اثرگذار توسط نهادهای مسئول.
 - همکاری و هماهنگی جدی نهادهای ملی و محلی در ساماندهی پایتخت با رعایت اصول مدیریت یکپارچه و واحد شهری.
 - اقدامات کالبدی و فیزیکی به این شرح در اولویت قرار گیرند: تغییر در الگوهای شهرسازی، محله و مسکن‌سازی، توسعه عمودی شهر تهران، توسعه حمل‌ونقل عمومی به‌ویژه زیرزمینی، تسریع در راه‌اندازی مونوریل، بهره‌گیری مناسب و اصولی‌تر از بافت‌های فرسوده.
 - توجه بیشتر به مباحث فرهنگ‌سازی و آموزش استفاده از تکنولوژی‌های برتر توسط آموزش و پرورش و رسانه‌های ملی، تقویت توان تخصصی و اجرایی نهادهای محلی در امور اقتصادی و سیاسی و تثبیت نقش نظارتی، مشارکت دادن مردم در تصمیم‌گیری‌های مهم شهری، قاطعیت در تصمیم‌گیری‌های راهبردی مربوط به کلانشهر تهران، اشتغال از راه دور جهت کارمندان دولت (کار محور بودن به جای حضور محوری)، توسعه حمل‌ونقل زیرزمینی، توسعه حمل‌ونقل هوایی، ایجاد مونوریل، تجدید نظر در ساماندهی سیاسی فضا در منطقه تهران.
 - از آنجا که سیاست‌های تمرکززدایی از تهران به عنوان دومین اولویت انتخاب شده بودند، باید ملاحظات تمرکززدایی در برنامه کارگروه‌های ساماندهی به پایتخت و همچنین در دستور کار دولت‌ها قرار گیرد.
 - اجرای اقدامات و بررسی‌های علمی جامع در زمینه امکان‌سنجی و اولویت‌بندی تمرکززدایی کارکردهای پایتخت.
 - توسعه مناطق مستعد برای توسعه و پذیرش جمعیت به‌ویژه مناطق ساحلی - بندری و جزایر جنوب (خلیج فارس و دریای عمان)، توسعه مناطق مرزی، حمایت از صنعتگران و تولیدکنندگان در استان‌های محروم، توسعه و تقویت شهرهای کوچک از طریق سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای و محلی.

منابع

ابراهیم‌زاده، عیسی؛ موسوی، میرنجف؛ باقری کشکولی، علی (۱۳۹۵) بررسی میزان تأثیرگذاری جابه‌جایی برخی از

- کارکردهای شهر تهران در ساماندهی وضعیت پایتخت در ایران، ژئوپولیتیک، ۱۲ (۴۱)، صص. ۱۶۵-۱۳۶.
- احمدی نوحانی، سیروس (۱۳۹۴) ساماندهی برلین به عنوان پایتخت پس از اتحاد دو آلمان، **مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت**، صص. ۳۲-۲۳.
- اسکندری ثانی، محمد؛ راستی، عمران (۱۳۹۴) برنامه‌ریزی توسعه اجتماعات محلی: بستر ساز تمرکززدایی واقعی در کلانشهر تهران، **مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت**، صص. ۴۱-۳۳.
- بافرانی، جمال؛ غلامرضایی، زهرا؛ مهدوی، پروانه (۱۳۹۴) راهبردها، سیاست‌ها و ملاحظات ناظر بر ساماندهی و آمایش درونی منطقه ۱۲ شهر تهران. **مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت**، صص. ۷۴-۶۵.
- پاپلی یزدی، محمد حسین (۱۳۹۴ / الف) تمرکززدایی اداری- شغلی راهکاری برای تمرکززدایی از تهران، **مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت**، صص. ۸۴-۷۵.
- پاپلی یزدی، محمد حسین (۱۳۹۴ / ب) نتایج همایش ساماندهی و تمرکززدایی پایتخت از دیدگاه دبیر علمی همایش، **مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت**، صص. ۱۲-۱.
- پاپلی یزدی، محمد حسین؛ رجبی سناجردی، حسین (۱۳۸۲) **نظریه‌های شهر و پیرامون**، انتشارات سمت، تهران.
- تبریزی، جلال (۱۳۹۴) چيستی ساماندهی کلانشهر تهران، **مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت**، صص. ۹۷-۸۵.
- توفیق، فیروز (۱۳۸۴) **آمایش سرزمین: تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران**، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
- جمعه‌پور، محمود (۱۳۹۴) کلانشهر تهران، تغییر یا ساماندهی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، رویکرد مناسب، **مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت**، صص. ۱۱۰-۹۸.
- حاتمی‌نژاد، حسین؛ جامی، امید؛ صفدری، امین (۱۳۹۴) راهبردها و راهکارهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای در تثبیت پایتخت، **مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت**، صص. ۱۲۶-۱۱۱.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۹۴) راهبردهای تمرکززدایی و تراکم‌زدایی از تهران به عنوان پایتخت ایران، **مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت**، صص. ۱۳۵-۱۲۷.
- داودی، سید مجید (۱۳۸۹) **امکان‌سنجی جابه‌جایی و انتقال مراکز سیاسی، اداری و اقتصادی پایتخت به خارج از تهران ۱، بررسی مقدماتی ابعاد موضوع**، مرکز پژوهش‌های مجلس شماره مسلسل ۱۰۳۴۶.
- رشنو، نبی‌الله (۱۳۹۴) ماهیت ژئوپلیتیک عوامل مؤثر بر آمایش سیاسی فضایی در کلانشهر تهران، **مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت**، صص. ۱۶۵-۱۵۸.
- زارع، مهدی (۱۳۹۴) بررسی خطر و ریسک زلزله در پهنه گسل شمال تهران و ارزیابی انتقال پایتخت به عنوان گزینه کاهش ریسک زمین‌لرزه، **مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت**، صص. ۲۴۶-۲۳۷.
- زبردست، اسفندیار (۱۳۸۰). کاربرد (فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی) در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، **هنرهای زیبا**، ۱۰، صص. ۲۱-۱۳.
- نوبری، نازک؛ رحیمی، محمد (۱۳۸۸) **گزارش تحلیلی بر موضوع انتقال پایتخت سیاسی کشور**، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، دانش شهر شماره ۵، تهران.

Botes, L., Van Rensburg, D. (2000) Community Participation in Development: Nine Plagues and Twelve Commandments. **Community Development Journal**, 35 (1), pp. 41-58.

Campbell, S. (2003) The Enduring Importance of National Capital Cities in the Global Era, **Urban and Regional Research Collaborative**. Working Paper Series, pp. 1-32.

Cohen, Saul, B. (1964) **Geography and Politics in a Divided World**, Methuen, London.

- Corey, Kenneth E. (2004) Relocation of National Capitals: Implication for Korea. **International Symposium on the Capital Relocation**, Seoul: Seoul Development Institute, pp. 127-142.
- Dascher, K. (2000) Are Politics and Geography Related? Evidence from a Cross-Section of Capitalcities, **Public Choice**, 105, pp. 373-392.
- Dekker, K., Kempen, R. (2004) Urban Governance within the Big Cities Policy, **Cities**, 21, pp. 41-55.
- OECD. (2005) Decentralization and Poverty Reduction, **Policy Insight**, NO 5.
- Rawat, R. (2005) Global – Local Perspectives in the Search for an Alternative Modernity, **York University. Department of Geography**. <http://prayaga.org/documents/paper-capitalcity.pdf>
- Tosun, M., Yilmaz, S (2008) **Centralization, Decentralization, and Conflict in the Middle East and North Africa**, World Bank Policy Research Working Paper Series.